

مسئولیت پذیر باشید

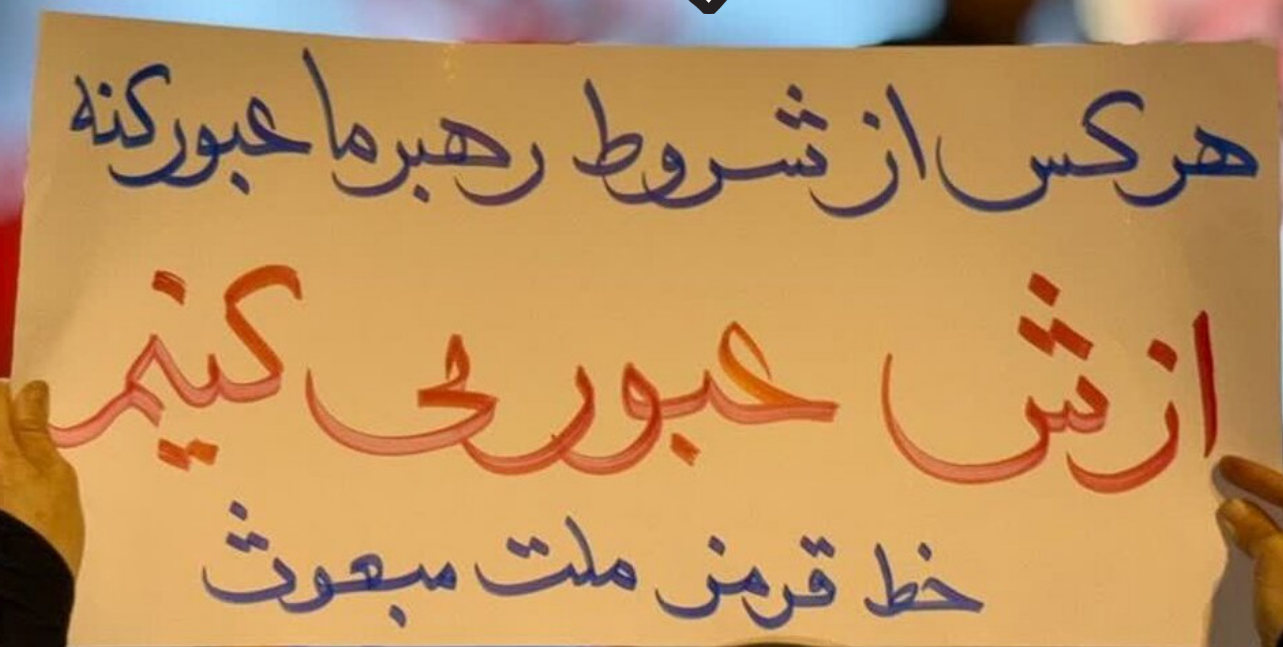
تجربه دو جنگ اخیر ۱۲ روزه و ۴۰ روزه که بعد از فرآیند مذاکرات چندجانبه میان ایران و آمریکا شکل گرفت، نشان داد راهبرد مذاکره در قبال این دولت تروریستی کاربردی ندارد. چراکه خواسته‌ها و اهداف این کشور در قبال ایران بر اساس راهبرد فشار، تحمیل و باج خواهی است. به تعبیری دیگر با توجه به تجربه دو جنگ اخیر، این موضوع که مسئولیت این دور از مذاکرات، بویژه مسئولیت پذیری تصمیم گیرندگان و افراد موثر و دخیل در این توافق بسیار مهم است. چراکه این موضوع به سرنوشت میلیون‌ها ایرانی گره خورده و به همین جهت ضروری است مقوله مسئولیت پذیری در مذاکرات جدی گرفته شود.

۲



پیروزمیدان دلواپسی بده‌بستان

۷



دولت پزشکیان رکورد
تاریخی چاپ پول تا
بهمن ماه را شکست

۵

۱۰۰ روز پس از ترور رهبر انقلاب؛
تلاش آمریکا برای دیدار
حضوری با مقامات ایران

۷



آنچه آمریکا درباره
آینده توافق فاش کرد

امیر شهشهانی
روزنامه نگار

صفحه ۴

اقتصادی

گران سازی ارز عامل اصلی تورم است

یک تحلیل گرامسائل اقتصادی با اشاره به اثرات افزایش نرخ ارز بر تولید، نقدینگی و رکود تورمی، نسبت دادن کامل تورم به عوامل بیرونی را نوعی مسئولیت گریزی توصیف کرد و خواستار کنترل خلق پول، بازنگری در سیاست های ارزی، تقویت نظارت دولت بر بازارهای انحصاری شد.

صفحه ۳

سیاسی

خیابان نگران دیپلماسی

عدهای تلاش می کنند تا برای بستن باکعبه آرمانی شان آمریکا، از مردم مبعوث ایران، مومنانی تک بعدی بسازند که توان جمع بین تکالیف سیاسی و اجتماعی خود را ندارند. این مومنان آنقدر بی عرضه بار آمده اند که اگر در صحنه ای لازم باشد چند تکلیف را باهم اداء کنند در آن عاجز خواهند بود.

بامداد دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۵، در ابتدا نخست وزیر پاکستان، سپس دونالد ترامپ و در نهایت شورای عالی امنیت ملی ایران از دستیابی به تفاهمی خبر دادند که قرار است روز جمعه ۲۹ خرداد به امضا برسد. برای فهم آنچه ممکن است در پشت صحنه این تفاهم جریان داشته باشد، کافی است به واکنش مراکز اثرگذار بر سیاست خارجی آمریکانگاه کنیم. در میان انبوه لابی های فعال در واشنگتن، دو مجموعه یعنی «بنیاد دفاع از دموکراسی ها» (FDD) و «اتحاد علیه ایران هسته ای» (UANI) طی سال های اخیر نقش اتاق فکر فشار حداکثری علیه ایران را ایفا کرده اند.

متن کامل در صفحه ۷

تجربه دو دوره مذاکره قبلی و حمله نظامی در میانه مذاکرات، اهمیت مسئولیت پذیری این دور از مذاکرات را دوچندان کرده است

مسئولیت پذیر باشید

دو جنگ اخیر، این موضوع که مسئولیت این دور از مذاکرات، بویژه مسئولیت پذیری تصمیم گیرندگان و افراد موثر و دخیل در این توافق بسیار مهم است. چراکه این موضوع به سرنوشت میلیون ها ایرانی گره خورده و به همین جهت ضروری است مقوله مسئولیت پذیری در مذاکرات جدی گرفته شود.

تجربه دو جنگ اخیر ۱۲ روزه و ۴۰ روزه که بعد از فرآیند مذاکرات چندجانبه میان ایران و آمریکا شکل گرفت، نشان داد راهبرد مذاکره در قبال این دولت تروریستی کارسردی ندارد. چراکه خواسته ها و اهداف این کشور در قبال ایران بر اساس راهبرد فشار، تحمیل و باج خواهی است. به تعبیری دیگر با توجه به تجربه



امیرحسین درکی
روزنامه نگار

ارکان نظام با نگاهی خردمندانه و با در نظر داشتن منافع ملی، به بهترین وجه کار خودشان را انجام دادند.» همچنین مواضع عراقچی در گفتگوی تلویزیونی مبنی بر اینکه «مذاکره باعث جنگ نشده؛ بلکه مقاومت باعث جنگ شد!» مویدی دیگر بر این نکته است که جریان خواهان سازش، نه تنها از تجارب دو جنگ اخیر درس نگرفته اند بلکه با ساختاری پیچیده در پی جانداختن موضوع سازش و مذاکره به عنوان یک امر هماهنگ شده در تمام ارکان نظام به جامعه اند.

رئیس تیم مذاکره کننده در توافق اخیر مسئولیت دارد

پیش از این نیز مهدی محمدی، مشاور راهبردی قالیباف و از حاضرین در مذاکرات اسلام آباد در فایل صوتی که در کانال تلگرامی خود منتشر کرده بود اظهار داشت: «ریاست مجلس «قالیباف» از اول با آغاز مذاکرات بنحوی که آتش بس بشود و بعد مذاکرات شروع بشود مخالف بوده است.» موضعی که به نظر می رسد در جهت عدم پاسخگویی و مسئولیت پذیری در صورت هرگونه بدعهدی و ناسرانجامی مذاکرات با آمریکا است. به تعبیری دیگر اگر در آینده خسارتی به کشور وارد شد، مسئولین مذاکرات فعلی نمیتوانند ادعا کنند که با قسمتی از توافق مخالف یا قسمتی موافق بوده اند.

درباره مذاکره به گونه ای بازنشر می شود که گویا نظام به صورت مطلق مخالف هرگونه مذاکره بوده است، در حالی که رهبر شهید هیچ گاه با مذاکره عزتمندانه، مبتنی بر اقتدار و در چارچوب منافع ملی مخالفت نداشتند و در دیدارهایی که با معظم له داشتیم، نگاه ایشان همواره مبتنی بر حفظ عزت، حکمت و مصلحت نظام بود.» به عبارت دیگر آقای پزشکیان به همراه رئیس تیم مذاکره کننده، از مسئولین اصلی این دور از مذاکرات هستند و در آینده باید پاسخگوی هرگونه نقض و بدعهدی از سوی طرف آمریکایی باشند.

علاوه بر مواضع پزشکیان؛ سخنگوی وزارت امور خارجه نیز همانند پزشکیان در اینباره طی اظهاراتی بر نقش موثر همه ارکان حاکمیت در توافق اشاره و بیان کرد: «نقش شورای عالی امنیت ملی در تصمیم سازی و تصمیم گیری درباره مذاکرات و تفاهم بسیار برجسته است» او تاکید داشت: «همه دستگاه های حاکمیتی که طبق قانون نقش و وظیفه ای در روند تصمیم گیری دارند، در حوزه سیاست خارجی نقش خود را به بهترین وجه انجام دادند و بیانیه شورای عالی امنیت ملی نیز در این خصوص بسیار روشن است.» بقائمی همچنین تاکید کرد: «در این زمینه ما باید خدا را شکر کنیم؛ هم به خاطر انسجام ملی و هم به خاطر اینکه در روند تصمیم گیری، حقیقتاً همه

روز گذشته، مسعود پزشکیان، در اظهاراتی در واکنش به توافق اخیر با آمریکا ضمن قدردانی از رئیس تیم مذاکره کننده و وزیر امور خارجه اظهار داشت: «پیش از ۹۰ درصد از اعضای شورای عالی امنیت ملی رای به توافق با آمریکا داده اند» او همچنین به «انسجام و وحدت میان قوای سه گانه موثر در تصمیم گیری در خصوص توافق» اشاره کرد. موضوعی که نشان میدهد رئیس جمهور در پی این نکته است که توافق اخیر محصول و نقطه اشتراک تمام ارکان نظام بوده است. این در حالی است که طی جنگ اخیر و با گذشت بیش از یکصد و اندی روز از آغاز جنگ، یکی از مهم ترین ارکان کشور یعنی قوه مقننه در حیاتی ترین مسائل و اتفاقات کشور و جهان، در راس امور نبوده است.

بنابراین مصدوره قوه مقننه به عنوان یک رکن مهم در این تصمیم گیری قابل خدشه است. از سوی دیگر مروری بر مواضع اخیر پزشکیان در دیدار با مدیران صداوسیما حاکی از فشارهای او برای بایکوت هرگونه صدای مخالف مذاکره است. وی در این دیدار از پخش سخنان رهبر شهید انقلاب در خصوص مذاکرات انتقاد کرده و گفته بود: «کلیپ هایی از بیانات رهبر شهید انقلاب

خبر کوتاه

مخبر: لیخند دیپلماتیک آمریکا قابل اعتماد نیست

مشاور رهبر انقلاب در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ویراستی به نقض مجدد آتش بس در لبنان و انکش نشان داد و نوشت: تقسیم نقش «تفاهم و تجاوز» میان آمریکا و رژیم اسرائیل، تکراری و غیر قابل پذیرش است. نه لیخند دیپلماتیک امریکایی قابل اعتماد است و نه توحش صهیونیستی قابل تحمل! در دفاع از لبنان با هیچ کس تعارف نداریم و به متجاوزان درس پشیمان کننده خواهیم داد.

روانبخشی: چرا ترامپ برجام را پاره کرد اما با توافق جدید کنار آمد؟

نماینده مردم قم در حساب کاربری خود درباره توافق اسلام آباد نوشت: خسارت محض یعنی در این مورد هیچ سودی و فایده ای وجود ندارد. این سوال مطرح است که چگونه ترامپ برجامی که خسارت محض بود را پاره کرد ولی توافق اخیر میان ایران و آمریکا را به رسمیت می شناسد؟

خضریان: در سیاست خارجی هم مثل نظامی باید دشمن را به عقب برانیم

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس اظهار داشت: پاسخ سیاسی ایران می بایست متناسب با پاسخ نظامی ایران، دشمن را یک گام به عقب ببرد. تاکنون برخی از خطاهای تحلیلی ما در سیاست خارجی توسط توانمندی نظامی کشور پوشیده شده بود. وی افزود: ما نیازمند این هستیم تا در حوزه سیاست خارجی مثل توانمندی های نظامی، دشمن را به عقب برانیم. این مهمترین اتفاقی است که باید پس از هرگونه نقض آتش بس که دشمن رقم می زند و تلاش می کند ایران را به عقب براند، ولی نیروهای مسلح ما او را عقب ترمی برند؛ در حوزه سیاست خارجی نیز مثل نظامی این اتفاق رقم بخورد.

صالحی: نباید افکار عمومی را رها کرد

احسان صالحی، کارشناس مسائل بین الملل، امروز در برنامه زنده تلویزیونی شبکه خبر گفت: اطلاع رسانی شفاف و گفت و گو با مردم مانع شکل گیری ابهامات و تحقق اهداف دشمن می شود. این کارشناس مسائل سیاسی خاطر نشان کرد: ما در سیاست داخلی نیازمند به روزرسانی ارتباط خود با افکار عمومی هستیم. باید با مردم گفت و گو کنیم. اگر افکار عمومی رها شود و توضیحات کافی ارائه نشود، زمینه شکل گیری ابهام فراهم خواهد شد و دشمن نیز دقیقاً همین را می خواهد. بخشی از مردم در این مسیر همراه بودند و حق دارند در جریان تصمیمات کشور قرار بگیرند. هر تصمیمی که هزینه یا منفعتی برای جامعه دارد، باید برای مردم تشریح شود. وی افزود: برخی تلاش می کنند دل مردم را خالی کنند، در حالی که یکی از ارکان اصلی موفقیت در این جنگ، ایستادگی مردم بود. مسئولان باید با مردم سخن بگویند و آن دسته از افرادی که بی دلیل جامعه را نگران می کنند نیز نباید به نگرانی ها دامن بزنند. ما نباید در زمین بازی دشمن حرکت کنیم.

شریعتی: تا دستور جدید رهبری، همچنان در خیابان خواهیم ماند

نماینده مردم تهران در مجلس در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: همچنان میدان با مسوولان و همچنان خیابان با مردم طبق مصوبه شعام، پس از امضای تفاهم نامه، تازه مذاکرات برای توافق نهایی با آمریکا آغاز خواهد شد. پس تا دستور جدیدی از رهبر رشید انقلاب نیامده، حکم قبلی هنوز پابرجاست: مسلمانان فریادهای مردم در خیابان، در نتیجه مذاکرات موثر است

امنیت

پیشنهاد برگزاری انتخابات شوراها در اواخر تابستان

سخنگوی کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها گفت: پس از امضای توافق در روز جمعه اجرای مقدمات برگزاری انتخابات شوراها را آغاز خواهیم کرد. سید مرتضی محمودی درباره ی وضعیت انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا گفت: بر اساس مصوبه ی شعام انتخابات به دو ماه بعد از اعلام رسمی پایان جنگ توسط شورای عالی امنیت ملی موکول شده است. اگر روز جمعه توافق نهایی امضا شود، ما مقدمات برگزاری انتخابات را آغاز خواهیم کرد. وی همچنین با اشاره به عزم حاکمیت برای برگزاری انتخابات در اسرع وقت افزود: در جلسات مشترک با هیئت مرکزی ستاد انتخابات کشور به این جمع بندی رسیده ایم که انتخابات باید هرچه سریع تر برگزار شود تا در روند برگزاری انتخابات آینده مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری تداخل یا اختلالی ایجاد نشود. بر همین اساس، پیشنهاد ما به وزارت کشور و شورای عالی امنیت ملی این است که با توجه به شرایط کنونی کشور، انتخابات در اواخر تابستان برگزار شود. عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس

در پاسخ به تعیین زمان دقیق انتخابات گفت: هنوز تصمیم نهایی اتخاذ نشده و منتظر نظر و اعلام شورای عالی امنیت ملی هستیم تا تکلیف زمان بندی انتخابات به صورت رسمی مشخص شود.



جالی خالی قانون مجلس برای تنگه هرمز



با گذشت زمان و انتشار خبر توافق میان ایران و آمریکا و به احتمال زیاد بازگشایی تنگه هرمز، صحن مجلس شورای اسلامی هنوز تعطیل است. موضوعی که طی چند ماه اخیر و پس از آتش بس بارها مورد انتقاد نمایندگان، تحلیلگران و فعالان رسانه قرار گرفته و تاکنون از جمله دلایلی که مخالفین بازگشایی صحن در خصوص این تعطیلی ارائه کرده‌اند، مسئله امنیت جمعی نمایندگان ملت بود. اما در شرایط ویژه و سرنوشت ساز کنونی که بسیاری از مسائل حیاتی و آینده ساز کشور روی زمین مانده بود، این موضوع از سوی برخی تحلیلگران و منتقدان مطرح شد که آیا طرق دیگری نمیتوانست اندیشیده شود تا مواردی چون طرح راهبردی قانون تنگه هرمز تصویب و قانونی شود؟ موضوعی که نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز در گفتگویی بدان اشاره و مطرح کرده بود: «ما باید طرح را تبدیل به قانون میکردیم تا اگر بنا بود مذاکراتی صورت بگیرد بر اساس قانون مصوب مجلس انجام می‌شد» به تعبیری دیگر قانونی شدن مدیریت تنگه هرمز پشتوانه‌ای برای چانه‌زنی محسوب می‌گردد. با این حال و با گذشت زمان و عنایت به این نکته که در توافق پیش رو قرار است تنگه هرمز بازگشایی و به گفته رئیس جمهور جنایت‌کار آمریکا مین زدایی از تنگه آغاز شود، این شائبه که یکی از دلایل عدم بازگشایی صحن، عدم تصویب و قانونی شدن طرح تنگه بوده، قوت گرفته است. موضوعی که با گذشت زمان مشخص؛ و به نظر می‌رسد با توجه به اوضاع و احوال تحولات، اراده‌ای برای قانونی شدن این طرح دیگر وجود ندارد. با این حال هنوز مشخص نیست با توجه به اخبار بازگشایی تنگه، صحن علنی مجلس چه زمانی بازخواهد شد.

برخی جریان‌ات با سواستفاده از موضوع مهم وحدت و برچسب زنی به مردم، راه را بر مطالبه تحقق امر ولی می‌بندند

خیابان نگران دیپلماسی

عده ای تلاش می‌کنند تا برای رسیدن به آمل خود، همان بستن با کعبه آرمانی‌شان آمریکا، از مردم مبعوث ایران، مومنانی تک بعدی بسازند که توان جمع بین تکالیف سیاسی و اجتماعی خود را ندارند. این مومنان آنقدر بی عرضه بار آمده اند که اگر در صحنه ای لازم باشد چند تکلیف را باهم اداء کنند در آن عاجز خواهند بود در حالیکه اسلام اهل بیت(ع) به قرانت خمینی کبیر(ره) آنقدر مترقی است که می‌گوید اگر در صحنه تکلیف استطاعت اندک بود، به بهانه ضعف و کمبود، تکلیف را از خود ساقط نکن، بلکه استطاعت را بالا ببر تا تکلیف به نحو احسن انجام شود.

آرون فرشی‌نعمین
روزنامه‌نگار

این قرائت از دین به مذاق برخی خوش نمی‌آید، چون منفعت حزبی‌شان در گرو این است که مومنان جامعه تک بعدی بار بیایند تا در بزنگاه‌ها به آنان جهت دهند. آنقدر عاجزند که نمی‌توانند بین تکلیف التزام به وحدت و تکلیف مطالبه امر ولی و ایجاد بسط ید برای ایشان جمع کنند؛ تحلیل‌شان آنقدر سخیف است که اگر روزی فريضه میدان را برای اداء فريضه نماز رها کردند، نباید تعجب کرد چون به آن ها یاد نداده اند که اسلام حسینی جمع بین تکالیف را لازم می‌داند!

اینکه می‌گویند وحدت و تلاش می‌کنند تا با آن امر مقدس دهان منتقدان را ببندند، همان صدای شیطان است برای حبس بخش دیگری از تکالیف اجتماعی، که قرار است سرنوشت سالیان آینده ایران را بسازد. این وحدت و وحدت کردن ها، به قول امیر المومنین(ع) همان کلمه حقی است که از آن اراده باطل می‌شود.

لزوم رعایت وحدت، اصل اصلی است که جای جای قرآن و سنت بر آن تأکید دارند و استواری مکتب خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید اعلی‌اللقاب هم‌ها به رعایت آن اصل وابسته است اما رعایت یک واجب، هیچ الزامی برترک واجب دیگر ایجاد نمی‌کند. واجب دیگری وجود دارد به نام مراقبت از تحقق امر ولی، واجب به نام ایجاد بسط ید برای امام تابه وسیله آن امور و رضایت قلبی ایشان محقق شود نه آن چیزی که به زور و با ترفند ننه من غریبم بخواهند بر او تحمیل کنند یا به قول خودشان اذن و رضایت بگیرند چرا که رضایت ولی گرفتنی نیست، محقق کردنی است. همان اصل و فهمی که تفاوت ها در صفین را میان اشعث

ها و مالک ها ایجاد کرد. واجبی وجود دارد به نام زیر بار زور نرفتن، واجب به نام مبارزه با آمریکا واجب به نام عقل داشتن، واجب به نام عبرت گرفتن از چند صباح پیش؛ فقط وحدت واجب نیست، ده ها واجب دیگر نیز هست که باید همه آنها را محقق کنیم. اگر واجبی را اخذ کردیم و دیگری را بر زمین ساقط چه حذف وحدت برای مطالبه، چه حذف مطالبه برای وحدت ما مؤمن

به مکتب ناب خمینی و خامنه‌ای عزیز نیستیم. ما مومنان تک بعدی هستیم که برای بهره برداری حزبی و جناحی، با طرح و برنامه قبلی ساخته و پرداخته شده ایم! ۱- تکالیف و وظائف ما واحد نیست. چندین تکلیف در زمان واحد بر عهده ما است که باید با دقت و بدون تراحم و تعارض همه‌اش به انجام برسد. حفظ وحدت و مطالبه تحقق امر ولی دو فريضه‌ای است که باید هرمنده‌اند و بدون آسیب توان‌مان پیگیری شوند.

۲- معیار وحدت، فلان شخص و فلان سیاستمدار نیست که آن مداح محترم به محض مطالبه گری، مردم را متهم به ایجاد تفرقه می‌کند! معیار وحدت، امر ولی است و وحدت صرفاً پیروان ولی و تحقق مطالبات ایشان شکل می‌گیرد. حافظ منافع فلان آقا و فلان جریان بودن حفظ وحدت نیست، اتفاقاً عین تفرقه است! ۳- هیچ کس حق ندارد فهم خود را برتر از فهم مردم مبعوث بداند. گویا فلان آقا عقل کل و خالق وحدت است اما مردم مبعوث یک مشت مستضعفان فکری هستند که باید در تحلیل‌ها از ایشان تقلید نمایند. نه خیر، اگر وحدت معنایی داشته باشد، عیناً معنایش توده‌های همین مردم مبعوث است؛ نه فلان آقای خود برترین؛ از آنجا

که امیر المومنین(ع) آنان را ستون دین و عامل وحدت و پیروزی بردشمنان می‌داند! [نما عماد الدین و جماع المسلمین و العدة للأعداء العامة من الامة].

در نتیجه امروز باید با دقت در حفظ وحدت بکوشیم و هرگز اجازه ندهیم فضای تجمعات سمت و سوی تخریب و اتهام زنی بگیرد اما در عین حال تکلیف بسیار مهم دیگرمان یعنی حذف جریانی که آمریکا را معبود دوست داشتنی خود می‌داند باید پیگیری شود. مطالبه شروط ولی و مبارزه با جریانی که دیروز با مقدس‌نمایی، حکمیت را تحمیل کرد و امروز می‌خواهد با بن بست‌نمایی، وادادگی به آمریکا را تحمیل نماید، واجب است.

جریانی که خواسته یا ناخواسته خط پیروز نمایی و آبرومند بیرون آمدن آمریکا از شکست قطعی خود در میدان جنگ با ایران را پیگیری می‌کند. مردم مبعوث با عبرت گرفتن از سالهای تلخ مذاکره و تجربه تلخ تر اعتماد به مذاکره کنندگان واداده، اجازه نخواهند داد با قرآن‌های روی نیزه به‌روز شده یعنی وحدت پیروزی قطعی را تبدیل به شکست کنند و با تک بعدی پنداشت‌نشان منافع اشخاص و جریان‌ها را تأمین نمایند!

تصمیم‌گیرندگان امروز، فردا بهانه‌ای برای اشتباهات راهبردی نداشته باشند

علی‌یهادی جهرمی، سخنگوی دولت سیزدهم، در حساب کاربری خود در پلتفرم ویراستی نوشت: پاسخگوی وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فردای ایران، کسانی هستند که امروز تصمیم می‌گیرند. مردم در لبیک به فرمان رهبری، وحدت خود را حتی در اوج ناراحتی از برخی تصمیم‌ها حفظ کردند؛ فردا کسی نمی‌تواند بهانه‌ای برای اشتباهات راهبردی و تحمیل هزینه‌های جدید بر ایران داشته باشد.

خبر کوتاه

مطالبه حاجی‌دل‌یگانی از قالیباف برای برگزاری جلسه صحن

حسینعلی حاجی‌دل‌یگانی نماینده مردم شاهین‌شهر در مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس نوشت: در خبرها مطلع شدیم جمعه هفته جاری قرار است دولت متجاوز و قاتل قائد شهیدمان، تفاهم‌نامه‌ای را با جمهوری اسلامی امضا کند. وی افزود: از آنجائیکه طبق قانون اساسی، تفاهم‌نامه مورد اشاره بایستی به تصویب مجلس برسد و نمایندگان ملت ایران باید در جریان میزان منفعت ملی از این توافق قرار بگیرند، پیشنهاد می‌شود به فوریت دستور فرمائید ضمن تشکیل جلسه رسمی با حضور وزیر امور خارجه در یکی از روزهای هفته، مفاد تفاهم‌نامه در حضور نمایندگان ملت بزرگ ایران مورد بررسی قرار گیرد.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی: ایرادات جدی به تفاهم داریم

ابراهیم رضایی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با حضور در برنامه گفتگوی ویژه خبری گفت: من خواهم از مردم عزیز، بخش‌های مختلف جامعه‌مان این است که تکلیف مان همان‌طور که رهبر عزیز انقلاب تأکید می‌کردند وحدت خودمان را حفظ کنیم. اکثر مردم ما در میدان و خیابان هستند، این وحدت را باید حفظ کنیم و احیاناً دچار اختلاف نشویم، به ویژه در مورد تفاهمی که هنوز واقعیتش چیزی مشخص نیست، من خودم جزو منتقدین این تفاهم هستم و ایرادات جدی هم به آن دارم اما می‌خواهم عرض کنم از همه این‌ها بالاتر وحدت ماست. وی افزود: دشمن برای ایجاد تفرقه، برای درست کردن یک دعوی داخلی در داخل ایران برنامه دارد و این یک واقعیتی است که آن‌ها روی آن سرمایه‌گذاری کردند که طی ماه‌های آینده یک اغتشاشی داشته باشند و الان همه باید هوشیاری خودشان را حفظ کنند و همه محکم بایستیم و مطالبه باید کرد و معنایش این نیست که اگر اشکالی دیدیم آن اشکال را نگوئیم، اما در داخل و جلوی همدیگر صف آرایی نکنیم همدیگر را اصطلاحاً نتراشیم و وحدت‌مان را حفظ کنیم.

میدان

تمجید سردار قآنی از ملت ایران و مقاومت منطقه

سردار اسماعیل قآنی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فضای مجازی نوشت: مقاومت متکی بر ایمان الهی یک بار دیگر از میدان انقلاب تهران تا میدان آزادی ملت‌های مظلوم به پیروزی رسید. وی افزود: آفرین بر ملت امام حسینی ایران و مقاومت منطقه‌ای قهرمان که در آستانه محرم حسینی اثبات کردند هیئات من‌الذله یعنی چه و واقعاً خون برشمشیر پیروز است.

قدردانی امیر حاتمی

از حضور مردم در میادین

فرمانده کل ارتش با بیان اینکه نیروهای مسلح و همه کشور، مدیون تلاش‌های شهدای عزیز و در رأس آنان، امام شهیدمان و فرماندهان ما هستند، گفت: البته برای کسب توفیقات ما، عوامل مختلفی دست به دست هم داد. مردم عزیز ما بیش از ۱۰۰ شب به خیابان آمدند و پرچم گردانی کردند و ایستادند تا وفاداری خویش را به کشور، ملت و نظام مقدس جمهوری اسلامی ثابت کنند و ما از مصمیم قلب قدردان آنان هستیم. سرلشکر حاتمی متذکر شد: دشمن تصورات بسیار غلطی داشت اما نتوانست و نخواهد توانست که به اهداف خود دست پیدا کند.

علیرغم ادعای دونالد ترامپ برای بازگشایی تنگه هرمز از روز جمعه آینده، بلومبرگ گزارش داد بیش از ۵۵۰ کشتی

هنوز در انتظار چراغ سبز ایران برای عبور از این آبراه هستند. مالکان کشتی‌ها و شرکت‌های حمل‌ونقل جهان رویکردی بسیار محتاطانه نسبت به توافق آمریکا و ایران برای بازگشایی تنگه هرمز در پیش گرفته‌اند و ترجیح می‌دهند فعلاً دست به عصا حرکت کنند. با این حال، داده‌های ردیابی دریایی نشان می‌دهد نفتکش حامل گاز طبیعی مایع (ادیشا) تنها کشتی‌ای است که با مبادا دیروز از این آبراه عبور کرده است. الجزیره نوشت: این نخستین عبور قابل توجه پس از اعلام توافق میان آمریکا و ایران محسوب می‌شود. به استثنای این نفتکش، هیچ تحرک مشابه دیگری در تنگه مشاهده نشده است.

تالار شیشه‌ای

بورس در آستانه فتح کانال ۵ میلیونی

بازار سهام روز دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۵ با تداوم موج تقاضا، یکی از پر قدرت‌ترین روزهای معاملاتی سال‌های اخیر را تجربه کرد. البته خبر توافق عطش خرید سهام را افزایش داد؛ به‌طوری‌که در پیش‌گشایش بازار، ۶۰ هزار میلیارد تومان تقاضای خرید ثبت شد. در مقابل، تنها ۱۲۰۰ میلیارد تومان عرضه وجود داشت. با این حال، تا پایان معاملات، ۵۰ هزار میلیارد تومان تقاضا در تابلوی بورس بدون عرضه باقی ماند. تمام نمادها دیروز یکپارچه سبزپوش و در صف خرید بودند. پس از پایان دادوستدها، ۶۸۲ صف خرید به عنوان سرخطی‌های امروز در ماشین معاملات باقی ماند.

شاخص کل بورس تهران با جهش ۱۶۱ هزار واحدی در آستانه ورود به کانال ۵ میلیون واحدی قرار گرفت. همچنین بالاترین رکورد تاریخی در رشد شاخص بورس ثبت شد. پیش از این، بیش‌ترین میزان رشد شاخص بورس مربوط به روز یکشنبه هفته جاری با ۱۲۳ هزار واحد بود. داده‌های سازمان بورس نشان می‌دهد ارزش کل معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی به ۱۶ هزار و ۱۵۵ میلیارد تومان رسید. مجموع ارزش معاملات بازارهای بورس و فرابورس در محدوده ۴۴۵ هزار میلیارد تومان ثبت شد و ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، بازار پایه و فرابورس، نیز در محدوده ۱۷ هزار و ۲۶۶ همت قرار گرفت. مهم‌ترین اتفاق روز میانی هفته در بازار سهام، ثبت رکورد ورود پول حقیقی به بازار بود؛ به‌طوری‌که ۸۹۴۵ میلیارد تومان پول وارد بازار شد. مجموع ورود پول حقیقی در ۱۹ روز کاری پس از بازگشایی بازار سهام به ۷۷ هزار میلیارد تومان رسید. شاخص کل بورس تهران در پایان معاملات با افزایش ۱۶۱ هزار و ۵۹۹ واحدی (۳.۳۵ درصد) در ارتفاع ۴ میلیون و ۹۸۰ هزار و ۴۳۰ واحد ایستاد. شاخص کل هم‌وزن نیز با رشد ۳۷ هزار و ۱۸۳ واحدی به یک میلیون و ۳۳۶ هزار و ۹۶۴ واحد و شاخص کل فرابورس ایران با افزایش ۱۲۸۳ واحدی به ۳۸ هزار و ۱۷۶ واحد رسید.

محمود گودرزی، مدیرعامل بورس تهران، دیروز درباره احتمال تغییر دامنه نوسان معاملات اعلام کرد: طبق مقررات بازار سرمایه، هرگونه اصلاح در دامنه نوسان ابتدا باید از سوی بورس‌ها پیشنهاد شود و سپس به تصویب هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار برسد. با این حال، هیئت مدیره بورس تهران تاکنون هیچ تصمیمی در این زمینه اتخاذ نکرده و پیشنهادی نیز به سازمان بورس ارائه نشده است. فعالان بازار می‌گویند تداوم روند صعودی بازار سهام نیازمند تثبیت شرایط سیاسی، افزایش شفافیت در سیاست‌های اقتصادی و بهبود متغیرهای بنیادی شرکت‌هاست و در صورت تداوم جریان نقدینگی و حفظ ارزش معاملات در سطوح فعلی، شاخص بورس می‌تواند کانال تاریخی ۵ میلیون واحد را فتح کند.

معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منطقه‌ای و زارت کشور با تأکید بر تأمین پایدار کالاهای

اساسی، از تخصیص ۸۰۰ میلیون دلار به استان‌های مرزی برای واردات این کالاهای خبر داد. به گزارش فارس، مهدی دوستی از تأمین پایدار روغن و سایر کالاهای اساسی مانند برنج در کشور خبر داد و تأکید کرد که در حال حاضر دولت در این زمینه با مشکلی مواجه نیست. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که پیش‌تر افرادی از کاهش عرضه برخی اقلام اساسی در تعدادی از استان‌ها خبر داده بودند. برای تقویت تأمین کالاهای اساسی، در دو مرحله حدود ۸۰۰ میلیون دلار به استان‌های مرزی اختصاص یافته است؛ ۳۰۰ میلیون دلار در مرحله نخست و ۵۰۰ میلیون دلار در مرحله دوم تخصیص داده شده است.

رئیس پلیس راهور فراجا با اشاره به چالش مصرف سوخت در کشور گفت: یکی از مهم‌ترین مسائل پیش‌روی دولت،

مصرف بالای بنزین است؛ به‌طوری‌که در برخی روزها مصرف روزانه بنزین از ۱۶۰ میلیون لیتر فراتر می‌رود. سید تیمور حسینی افزود: جایگزینی خودروهای باکیفیت، اعم از خودروهای برقی، هیبریدی، پلاگین هیبریدی و خودروهای کم‌مصرف، می‌تواند کشور را از این تنگنا خارج کند و در صورت توسعه مناسب، بیش از ۶۰ درصد در کاهش مصرف بنزین مؤثر باشد. وی تأکید کرد: خودروهای مجهز به سامانه‌های ایمنی استاندارد، علاوه بر کاهش مصرف سوخت، نقش مؤثری در کاهش تصادفات و افزایش ایمنی کاربران دارند. ارتقای کیفیت خودروها به صورت طبیعی در اصلاح رفتارهای ترافیکی و افزایش رضایتمندی عمومی اثرگذار خواهد بود.

رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از آغاز قریب الوقوع پرداخت کمک‌های بلاعوض

میلیون تومان برای بازسازی مناطق آسیب‌دیده از جنگ تحمیلی سوم خبر داد و گفت: براساس مصوبه هفته گذشته دولت، برای واحدهای نیازمند احداث کامل، به ازای هر مترمربع زیربنای مفید و غیرمفید، ۲۵ میلیون تومان کمک بلاعوض پرداخت خواهد شد. منوچهر خواجه‌دلوینی افزود: منابع مالی این مصوبه تخصیص یافته و بنیاد مسکن در حال پیگیری دریافت آن است. پیش‌بینی می‌شود این منابع ظرف امروز یا فردا در اختیار بنیاد قرار گیرد تا فرایند پرداخت و عملیات بازسازی آغاز شود. وی تصریح کرد: برای واحدهای نیازمند تعمیر، متناسب با میزان خسارت و تخریب وارده شده، بین ۹ تا ۱۸ میلیون تومان به ازای هر مترمربع پرداخت می‌شود.

کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با نوبنیاد:

گران‌سازی ارز عامل اصلی تورم است

یک تحلیل‌گرمسائل اقتصادی، «گران‌سازی ارز» را مهم‌ترین عامل تشدید تورم در اقتصاد ایران دانست و تأکید کرد: ریشه اصلی نابسامانی‌های کنونی نه در جنگ، بلکه در تصمیم‌های نادرست دولت است. او با اشاره به اثرات افزایش نرخ ارز بر تولید، نقدینگی و رکود تورمی، نسبت دادن کامل تورم به عوامل بیرونی را نوعی مسئولیت‌گریزی توصیف کرد و خواستار کنترل خلق پول، بازنگری در سیاست‌های ارزی، تقویت نظارت دولت بر بازارهای انحصاری و بازگشت به رویکرد تثبیت قیمت‌ها برای مهار تورم شد.

نه در اختیار شرکت‌هایی که به اسم خصوصی فعالیت می‌کنند و منافعی را برای خودشان می‌برند. عبدی گفت: در بازارهای انحصاری، اصولاً عرضه و تقاضا معنا ندارد، زیرا انحصارگر قیمت‌گذار است. بنابراین وقتی گفته می‌شود بازار همه چیز را تعیین می‌کند، این سخن در چنین شرایطی با واقعیت اقتصادی همخوانی ندارد؛ زیرا باید بازار رقابتی باشد که الان این شرایط در کشور ما وجود ندارد.

عبدی ادامه داد: در مواردی هم منابع ارزی داخلی، در ویلا، سهام یا دارایی در کشورهای دیگر خرج می‌شود و در نهایت، آثار منفی آن به مردم کشور می‌رسد. به نظر بخش اعظم این مشکلات ناشی از همان سیاست گران‌سازی ارز است.

اثر سیاست تثبیت نرخ ارز در اقتصاد

تحلیل‌گرمسائل اقتصادی گفت: تجربه نشان داده هر زمان که قیمت ارز تثبیت شده، مانند یک دوره در دولت هاشمی رفسنجانی، رشد اقتصادی به وجود آمده، تورم کنترل شده و اقتصاد کشور شروع به رشد کرده است؛ بنابراین باید دوباره به سمت نظارت و کنترل رفت. او همچنین به یک مشکل بینشی اشاره کرد و گفت: مایک مشکل فکری هم داریم. در فقه، در تعارض میان حق فرد و حق جمع، عقل، منطق و شرع همه می‌گویند اولویت با جمع است. ممکن است برخی این موضوع را در کلاس درس بگویند، اما در مباحث اقتصادی‌شان حق فرد را مقدم بر هر چیز دیگری می‌دانند. همین نگاه باعث شده تفکر اقتصاد فردگرایی، منفعت‌گرایی شخصی و شخصی‌گرایی به شدت رواج پیدا کند. عبدی افزود: در اقتصادی که مدعی عدالت و قسط است، این نگاه با اصول انقلاب اسلامی هم‌خوانی ندارد. دولت بر اساس وظایف شرعی و قانونی، وظیفه نظارت، مداخله و کنترل دارد و حتی در حوزه‌هایی وظیفه قیمت‌گذاری هم دارد، چون این منابع به انفعال مربوط است. این کارشناس بیان کرد: دولت نمی‌تواند نظارت را رها کند و انتظار داشته باشد شبکه‌های توزیع و واردات خودشان بازار را تنظیم کنند. این مثل آن است که از یک گله گرگ بخواهیم برگوسفندها نظارت کند. چنین چیزی ممکن نیست و دولت باید نقش فعال داشته باشد.

بُعد عرضه، تقاضا، مصرف و تولید برای شما تقسیم‌بندی می‌کند. مشکل اینجاست که این آقایان کلاً بخش تولید را کنار گذاشته‌اند و نمی‌خواهند ببینند. عبدی با اشاره به گران‌سازی نرخ ارز ادامه داد: تمام ضربه‌ای که این سیاست می‌زند، از مسیر تولید و نهادینه کردن تورم است؛ بعد نیاز به نقدینگی ایجاد می‌شود، بانک‌ها برای تأمین اعتبارات مورد نیاز دستگاه‌های تولیدی دچار کمبود می‌شوند و چون تمایل و علاقه‌ای هم به افزایش دستمزد متناسب با تورم ندارند، عملاً رکود تورمی را نهادینه و تشدید می‌کنند. این روند، اگر ادامه پیدا کند، می‌تواند به سقوط اقتصاد منجر شود.

نقش جنگ در تورم؛ عامل اصلی یا اثرروانی؟

وی در پاسخ به نقش جنگ در تورم گفت: جنگ اثرروانی دارد، اما آیا همه مسئله به جنگ برمی‌گردد؟ قطعاً نه. چرا وقتی در اوج جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه قرار داشتیم، قیمت‌ها تقریباً ثابت بود، اما با پایان جنگ، قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند که ناشی از سیاست‌های اشتباه است. برخی از این سیاست‌ها در سازمان برنامه و بودجه تعریف و نهادینه شده است. عبدی اضافه کرد: این دیدگاه، تالار اول و دوم ارزی را تعریف کرد و تلاش کرد قیمت ارز را به صورت پنهانی افزایش دهد. در حالی که در کشور با توزیع نا عادلانه عظیم منابع نقدینگی روبه‌رو هستیم و این منابع در اختیار انحصارگران است؛ صنایعی به درآمد انفال وصل هستند؛ از نفت و گاز و پتروشیمی گرفته تا بانک‌ها، خودرو، سیمان، فولاد و حتی اتاق‌های بازرگانی، همه در عمل اقتصاد را در انحصار گرفته‌اند.

این کارشناس اقتصادی با انتقاد از تصمیم جندی پیش دولت مبنی بر اینکه شرکت‌ها می‌توانند ۴۰ درصد ارز صادراتی را برنگردانند، گفت: این موضوع در شرایط جنگ اقتصادی بسیار عجیب است، در حالی که در کشورهایی که با بحران و جنگ، مانند روسیه، مواجه‌اند، بلافاصله جلوی بازنگشتن ارز را می‌گیرند. او با بیان اینکه ارز، مال انفال است و درآمد انفال باید برگردد، گفت: الان در کشور ما عملاً انفال را خصوصی کرده‌اند و این مسئله بسیار عجیب است. درآمدی که متعلق به عموم جامعه است، باید در اختیار منافع مردم قرار بگیرد،



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

بیژن عبدی، تحلیل‌گرمسائل اقتصادی، در گفت‌وگو با نوبنیاد، با اشاره به عوامل تورم در اقتصاد ایران و با انتقاد از سیاست‌های ارزی، اظهار کرد: علت اصلی تورم، سیاست‌های غلط دولت است و «گران‌سازی ارز» از مهم‌ترین عواملی است که اقتصاد کشور را دچار مشکل کرده است. وی افزود: برخی این سیاست‌ها و توصیه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را با الفاظ زیبا و ظاهراً علمی تئوریزه کردند و با عباراتی مانند «حذف رانت»، «حذف یارانه پنهان» و «توزیع عادلانه»، جامعه را فریب می‌دهند؛ زیرا می‌دانند مردم، به‌ویژه نسبت به عدالت و توزیع نا عادلانه، حساس‌اند.

این کارشناس اقتصادی گفت: واقعیت این است که از روز اولی که این سیاست‌ها اجرا شد، یعنی از زمان دولت آقای هاشمی تا امروز، مجموعه‌ای از افراد با همین نوع تفکر بر شئون مختلف کشور حاکم شدند و وضعیت موجود را رقم زدند. این موضوع فقط مربوط به یک دولت خاص نیست، اما در دولت چهاردهم تشدید شده است. وی ادامه داد: متأسفانه رئیس قوه مقننه و تیم فکری ایشان در مجلس نیز به شدت از این سیاست‌ها دفاع می‌کنند و حتی قوه قضائیه نیز، به جای ایستادن محکم در برابر فساد، معمولاً در همان شورای سران با اجرای این سیاست‌ها هماهنگ بوده‌اند. عبدی با اشاره به دولت شهید رئیسی اظهار کرد: در دولت سیزدهم، برای کاهش قیمت ارز، مجلس به دولت فشار وارد کرد و طرح استیضاح و برکناری وزرا در آن زمان مطرح می‌کردند.

پیامدهای گران‌سازی ارز

این کارشناس تصریح کرد: بحث اقتصاد، یک بخش چندوجهی دارد و بخش عمده آن اقتصاد رفتاری است. اقتصاد فقط فرمول و کاغذ نیست. متأسفانه کسانی که این حرف‌ها را می‌زنند، درس‌هایشان را هم درست نخوانده‌اند. کافی است از هوش مصنوعی بپرسید آثار افزایش قیمت ارز در اقتصاد با شرایط ایران چیست؟ آن وقت به خوبی از



علت حوادث دی ماه ۱۴۰۴ چه بود؟

بیژن عبدی، آقای پزشکian در ایام انتخابات نمودار نشان می‌داد که قیمت‌ها در دولت شهید رئیسی چنین شد، اما الان خودش سیاست‌ها را به بدترین، شدیدترین و نا شایسته‌ترین شکل، آن هم در شرایط جنگی، اجرا کرد؛ یعنی حوادث دی‌ماه سال گذشته ناشی از سیاست‌های ارزی دولت چهاردهم بود. ناراضی مردم به دلیل گرانی باعث شده عده‌ای وارد خیابان شوند و تحت پوشش آن، شبکه‌های مافیایی که به غربی‌ها (از منافقین تا وابستگان موساد) وابسته بودند، آن جنایت را رقم زدند؛ بنابراین نمی‌توان همه چیز را به عوامل بیرونی نسبت داد و از سیاست‌های داخلی و خطاهای تصمیم‌گیری غافل شد.

گزارش کوتاه

موج جدید گرانی با جهش قیمت مواد اولیه پتروشیمی

روز یکشنبه ۱۰ خرداد ماه امسال بود که مدیریت توسعه صنایع پایین دستی شرکت ملی صنایع پتروشیمی، قیمت های پایه جدید محصولات پتروشیمی در بورس کالا را بر مبنای نرخ های جهانی تعیین و اعلام کرد. تغییرات اعمال شده در نرخ های پایه نشان می داد که قیمت این کالاها به طور میانگین حدود ۴۰ درصد افزایش داشته است. انتشار نرخ های جدید در آن مقطع زمانی باعث افزایش انتقادات شد، زیرا افزایش قیمت مواد اولیه تولید داخلی، افزایش قیمت خودرو، لوازم خانگی و... را در پی دارد. با تشدید انتقادات، قیمت ها یک روز پس از اعلام اصلاح شد. همان زمان احمد مهدوی ابهری، دبیرکل انجمن صنفی کارفرمایی صنایع پتروشیمی، به نوبت یاد گفت: شورای عالی امنیت ملی (شعام) پس از آغاز جنگ تحمیلی سوم، در مصوبه ای اعلام کرد که تمام قیمت های محصولات پایه پتروشیمی باید تا سه ماه بعد (۹ تا ۱۴ خرداد ۱۴۰۵) معادل قیمت قبل از اسفند ۱۴۰۴ (پیش از جنگ) باشد. او افزود: روز پایان این مصوبه ۹ خرداد امسال بود و مصوبه تمدید هم نشده بود. به همین دلیل، شرکت ملی پتروشیمی قیمت پایه جدید را بر اساس قیمت های جهانی به روزرسانی کرد. پس از این اقدام، شعام در تماس تلفنی به شرکت ملی پتروشیمی اعلام کرد مصوبه قبلی همچنان برقرار است و تمدید خواهد شد؛ به همین دلیل قیمت ها تغییر کرد.

افزایش ۳۴ درصد در یک هفته

قیمت محصولات پلیمری و شیمیایی به صورت هفتگی و در روزهای یکشنبه اعلام و چهارشنبه ها در بورس کالا عرضه و معامله می شود و قیمت پایه آن بر اساس نرخ ارز و قیمت های جهانی تعیین می شود. مدیریت توسعه صنایع پایین دستی شرکت ملی صنایع پتروشیمی روز یکشنبه هفته جاری در حالی قیمت های هفته جاری را اعلام کرد که افزایش شدیدی در قیمت پایه محصولات پلیمری و شیمیایی دیده می شود. نرخ ارز این محصولات ۱۴۷ هزار و ۸۱۰ تومان تعیین شده است. بررسی قیمت پایه محصولات شیمیایی نشان می دهد نسبت به هفته گذشته ۳۳ درصد و محصولات پلیمری ۳۴.۱۱ درصد افزایش یافته است

وزارت صمت: تغییر قیمت پایه قانونی نیست

عزت‌الله‌ارعی، سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت، نیز با اعلام اینکه افزایش قیمت محصولات پایه پتروشیمی قانونی نیست، گفت: بر اساس قانون، تغییرات قیمتی محصولات پتروشیمی باید به تصویب کارگروهی متشکل از مسئولان نمایندگان وزارت صمت، سازمان حمایت، شرکت ملی صنایع پتروشیمی، تأمین کنندگان محصولات و استفاده کنندگان این محصولات برسد که تاکنون جلسه ای تشکیل نشده و هیچ مصوبه ای درباره این موضوع نداشته ایم؛ پس هرگونه تغییر قیمتی قانونی نیست.

حسام بیگلرلو، دبیرانجمن صنایع شوینده ایران، پیش از اعلام قیمت های جدید خواستار تمدید مصوبه تثبیت قیمت محصولات پتروشیمی برای سه تا پنج ماه آینده شد و گفت: افزایش قیمت مواد اولیه در شرایط فعلی فشار بیشتری به تولیدکنندگان و مصرف کنندگان و معیشت مردم وارد می کند، زیرا افزایش در قیمت پایه این مواد مستقیماً به افزایش قیمت محصولات نهایی منجر می شود. او با بیان اینکه قیمت جهانی محصولات پتروشیمی نسبت به قبل از جنگ در برخی موارد بیش از دو برابر شده است، افزود: اگر مبنای قیمت گذاری دوباره به نرخ جهانی بازگردد، در برخی اقلام شاهد افزایش ۱۲۳ درصدی نسبت به قبل خواهیم بود. این در حالی است که تثبیت قیمت ها در ماه های گذشته مانع از بروز شوک تازه ای در بازار شده بود. دبیرانجمن صنایع شوینده، بهداشتی و آرایشی ایران اضافه کرد: در بورس کالا به دلیل رقابت، قیمت برخی مواد اولیه حتی از نرخ جهانی نیز فراتر می رود و در مواردی به ۱۵۰ درصد قیمت جهانی می رسد. این در حالی است که کشوری مانند ترکیه با وجود نداشتن منابع نفت و پتروشیمی، مواد اولیه را ارزان تر از صنایع داخلی ایران تأمین می کند.

بدهی دولت بیش از دو برابر شد

آمارهای بانک مرکزی همچنین نشان می دهد رقم بدهی دولت که در مرداد سال ۱۴۰۳ حدود ۳۳۳ همت بوده، در پایان بهمن سال گذشته به حدود ۷۵۶ همت رسیده است که جهش بیش از دو برابری طی تنها یک سال دولت چهاردهم را نشان می دهد.

این در حالی است که پزشکيان در انتخابات سال ۱۴۰۳ عملکرد دولت سیزدهم در حوزه انضباط مالی را نقد کرده و دولت را عامل تورم می خواند.

دولت پزشکيان رکورد تاریخی چاپ پول تا بهمن ماه را شکست

رشد نقدینگی به ۴۷.۳ درصد افزایش یافته؛ ارقامی که بالاترین سطوح چند دهه اخیر محسوب می شوند و رکورد تاریخی «چاپ پول» و پیامدهای تورمی را به نام دولت چهاردهم ثبت کرده است.

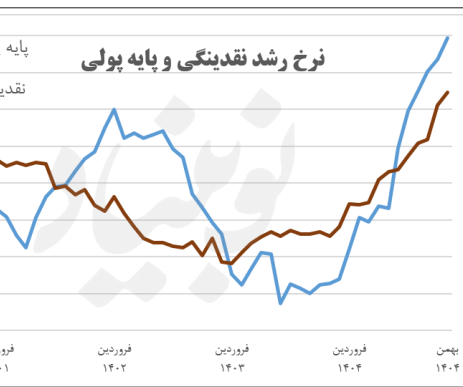


حمید کمار روزنامه نگار

گذشته در سال جاری خودنمایی کند. هرچند تا همین جا هم آمارهای هر دو منبع آماری، یعنی بانک مرکزی و مرکز آمار، از رکوردشکنی شاخص تورم نقطه به نقطه در اردیبهشت امسال خبر می دهند. طبق اعلام بانک مرکزی، تورم نقطه به نقطه در اردیبهشت امسال ۷۷.۲ درصد و طبق اعلام مرکز آمار ۸۳.۹ درصد بوده است. آخرین بار این ارقام در دهه ۲۰ شمسی و سال های جنگ جهانی دوم تجربه شد.

پیشین اقتصاد نیز از دیگر منتقدان عملکرد دولت سیزدهم در زمینه کنترل رشد پایه پولی و نقدینگی بود. او اکنون در کسوت مسئول کنترل این شاخص ها در دولت حضور دارد. بهمن ۱۴۰۲، زمانی که آمارهای بانک مرکزی از کاهش نرخ رشد نقدینگی به کانال ۲۵ درصدی خبر می داد، همتی در کانال خود نوشت: «گزارش منتشره بانک مرکزی در مورد کاهش شتاب رشد نقدینگی و رسیدن رشد نقطه به نقطه سالانه آن به محدوده ۲۵ درصد که با کنترل ترانزنامه بانک ها انجام شده است، خبر خوبی است. اما نباید فراموش کرد که ظرف ۳۰ ماه از عمر دولت سیزدهم، حجم کل نقدینگی با ۹۲ درصد رشد، از ۳ هزار و ۹۲۱ همت در پایان مرداد ۱۴۰۰ به ۷ هزار و ۵۵۶ همت در پایان دی ماه ۱۴۰۲ رسید که از دلایل مهم تورم ۴۰ تا ۵۰ درصدی و دلار ۵۸ هزار تومانی است.»

نگاهی به عملکرد دولت ها در شاخص نرخ رشد پایه پولی نیز نشان می دهد دولت پزشکيان تاکنون بدترین عملکرد را در این زمینه داشته است. تا پیش از دولت کنونی، دولت حسن روحانی بدترین عملکرد را در افزایش نرخ رشد پایه پولی داشت؛ به طوری که نرخ رشد پایه پولی در زمان تغییر دولت در سال ۱۳۹۲ برابر ۱۵.۳ درصد بود که این رقم در مقطع تغییر دولت در سال ۱۴۰۰ به ۳۹.۵ درصد افزایش یافت. با این حال، دولت سیزدهم این شاخص را به ۱۸.۳ درصد در تابستان سال ۱۴۰۳ رساند و به دولت پزشکيان تحویل داد. دولت پزشکيان اما این شاخص را ۴۰.۴ واحد درصد افزایش داد و با ثبت رکورد ۵۴.۷ درصدی، آن را به حدود سه برابر پایان دولت سیزدهم رساند.



منتقد دولت سیزدهم، رکورددار چاپ پول شد
مرور ارقام جدید نقدینگی با در نظر گرفتن واقعیت رکوردشکنی این شاخص در نیم قرن اخیر، ناخودآگاه مخاطب را به یاد اظهارات پزشکيان در ایام انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ می اندازد؛ جایی که وی با در دست گرفتن نموداری از حجم نقدینگی تلاش کرد عملکرد دولت سیزدهم در کنترل این شاخص را زیر سؤال ببرد. تیرماه ۱۴۰۳ او در جریان یکی از مناظرات انتخاباتی، پزشکيان با نشان دادن نمودار حجم نقدینگی سال های اخیر گفت: «نقدینگی کشور در دولت شهید رئیسی بالا رفته است؛ پول چاپ کرده ایم؛ چرا؟ باید اختلافات داخلی را حل کنیم و به علم و کارشناسی احترام بگذاریم.» عبدالناصر همتی، رئیس کل کنونی بانک مرکزی و وزیر

گزارش بانک مرکزی از تحولات پولی تا پایان بهمن ۱۴۰۴ نشان می دهد رشد پایه پولی و نقدینگی در دولت پزشکيان به رکوردهای کم سابقه ای رسیده است. نرخ رشد پایه پولی به ۵۴.۷ درصد و

پس از ماه ها انتظار، جزئیات تحولات شاخص های پولی کشور البته تا پایان بهمن ۱۴۰۴ منتشر شد. گزارش جدید بانک مرکزی نشان می دهد حجم پایه پولی در پایان بهمن سال گذشته به حدود ۲۰۰۰ همت و حجم نقدینگی به بیش از ۱۴ هزار و ۶۴۰ همت رسیده است. بدین ترتیب، نرخ رشد پایه پولی در پایان بهمن سال گذشته به ۵۴.۷ درصد و نرخ رشد نقدینگی به ۴۷.۳ درصد رسیده است. ارقام یاد شده از نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی به گونه ای است که مخاطب را به بررسی تاریخچه این دو شاخص کنجگاو می کند تا بداند این ارقام در سال ها و حتی دهه های اخیر چند بار تکرار شده اند.

نگاهی به داده های بانک مرکزی نشان می دهد نرخ رشد پایه پولی و نقدینگی در بهمن ماه سال گذشته رکورد نیم قرن اخیر را شکسته اند. آخرین بار زمستان سال ۱۳۵۴ بود که نرخ رشد نقدینگی به حدود ۵۲ درصد رسید که از رقم ۴۷.۳ درصد بهمن سال گذشته بیشتر بود. این یعنی نرخ رشد نقدینگی تنها با گذشت یک سال و نیم از عمر دولت پزشکيان و البته پیش از آغاز جنگ رمضان، رکورد ۵۰ سال اخیر را شکسته است. همچنین آخرین بار در بهار سال ۱۳۵۸ بود که نرخ رشد پایه پولی با ثبت رکورد ۷۴ درصدی، به ارقامی بیش از رکورد کنونی رسیده بود.

رشد نقدینگی قبل از جنگ رکورد زد

نکته مهم دیگر در رابطه با گزارش جدید بانک مرکزی آن است که این ارقام مربوط به بهمن سال گذشته و درست پیش از آغاز جنگ رمضان است. رکوردشکنی شاخص های پولی درست پیش از جنگ رمضان، تلاش مسئولان دولت برای بهانه قرار دادن جنگ با هدف توجیه وضعیت بحرانی شاخص های اقتصادی را زیر سؤال می برد. گزارش بانک مرکزی نشان می دهد عوامل پولی تورم اساساً پیش از آغاز جنگ رمضان از کنترل خارج شده است. با توجه به تأخیر چند ماهه اثرگذاری رشد نقدینگی بر تورم، می توان انتظار داشت نتایج رکوردشکنی رشد نقدینگی در زمستان سال

رشد پایه پولی (چاپ پول) در ابتدا و انتهای دولت ها (درصد)			
ریاست جمهوری	ابتدای دولت	انتهای دولت	تغییرات
رفسنجانی	۲۰	۳۰.۹	۱۰.۹
خاتمی	۳۰.۹	۲۲.۸	-۸.۱
احمدی نژاد	۲۲.۸	۱۵.۳	-۷.۵
روحانی	۱۵.۳	۳۹.۵	۲۴.۲
شهید رئیسی	۳۹.۵	۱۸.۳	-۲۱.۲
پزشکيان	۱۸.۳	۵۴.۷	۳۶.۴

بین الملل

۱۰۰ روز پس از ترور رهبر انقلاب؛ تلاش آمریکا برای دیدار حضوری با مقامات ایران

جی دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا در واکنش به یادداشت تفاهم محقق شده بین ایران و آمریکا از سفر خود به ژنو برای امضای تفاهم خبر داد و گفت: رئیس جمهور ترامپ نیز ممکن است برای شرکت در مراسم امضا به ژنو برود. دی ونس به فاکس نیوز بدون اشاره به کارشکنی‌های آمریکا در طول مذاکرات قبلی و مداخله‌گری‌هایی این کشور در منطقه گفت: اگر ایرانی‌ها به این توافق پایبند بمانند، خاورمیانه را برای ۵۰ سال آینده اساساً متحول خواهد کرد. معاون ترامپ همچنین ادعا کرد: این توافق به معنای باز شدن فوری تنگه هرمزو و لغو محاصره دریایی است که ما به طور همزمان «برایران تحمیل کردیم» در حالیکه ایران بارها اعلام کرده سلاح هسته‌ای در دکتترین نظامی این کشور جایی ندارد، ونس در اظهاراتی بی‌اساس مدعی شد: این توافق تصریح می‌کند که ایران هرگز سلاح هسته‌ای نخواهد داشت و به دنبال توسعه، دستیابی یا تلاش برای خرید آن نخواهد بود. دی ونس در ادامه گفت وگو با فاکس نیوز مدعی شد: مادامی که ایران به تعهدات خود پایبند باشد، مزایای واقعی دریافت خواهد کرد. این اظهارات پس از آن است که قبلاً گفته شده بود امضای یادداشت تفاهم به صورت الکترونیک خواهد بود که ظاهراً به



مراسمی حضوری تبدیل شده است.

شورای روابط خارجی آمریکا از درس‌هایی شکست آمریکا در ۴۰ روز جنگ با ایران می‌گوید

آمریکا؛ پس از هژمونی

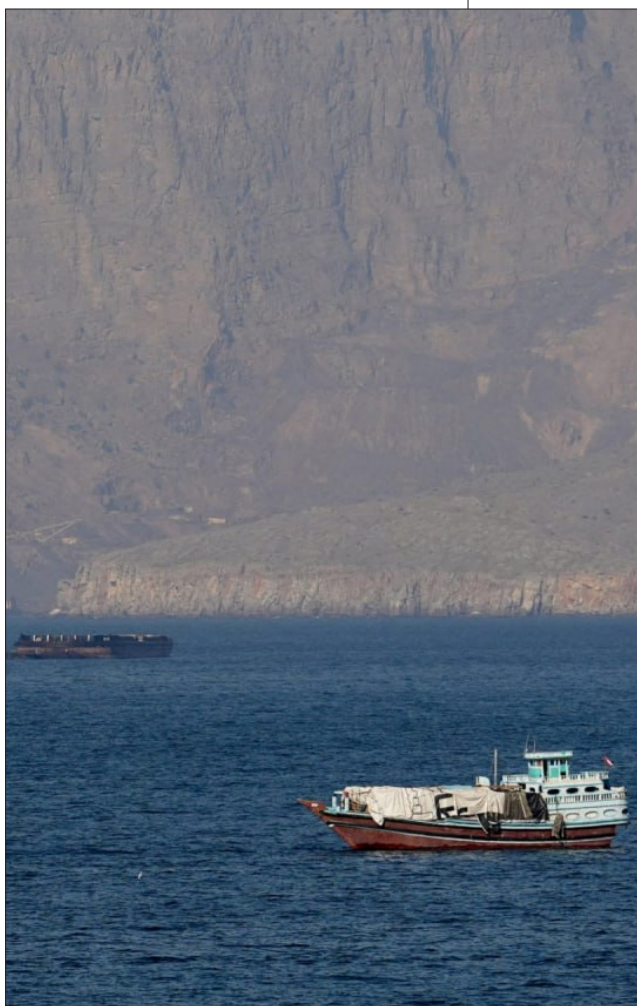
بازی قدرت‌های بزرگ همیشه قرار نیست براساس زور به نتیجه برسد و جنگ رمضان به خوبی این را نشان دادغ به باور بسیاری از کارشناسان، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای ایران در جنگ آن بود که به جهان تمام محدودیت‌های قدرت آمریکا را نشان داد و آن‌ها را آشکار کرد. شورای روابط خارجی در گزارشی به این ایده می‌پردازد.

شدیدی به بار آورد».

به باور نویسنده، سومین درس آن بود که ایران توانست عملاً به شبکه متحدان آمریکا در منطقه آسیب بزند و دیگران را نیز به تامل برای میزبانی از آمریکایی‌ها وارد پیش از آغاز «عملیات خشم حماسی» وادار کند. ایالات متحده حدود چهل هزار نیروی نظامی را در دست کم نوزده پایگاه در سراسر خاورمیانه مستقر کرده بود. این پایگاه‌ها در جناحین دشمنان منطقه‌ای آمریکا قرار داشتند و در برخی موارد آن‌ها را محاصره کرده بودند. این ساختار در عین حال بازتاب‌دهنده یک پیمان دوجانبه بود که براساس آن، ایالات متحده در ازای در اختیار داشتن این پایگاه‌ها، امنیت متحدان و شرکای خود را تأمین می‌کرد. این پیمان در جریان درگیری کنونی به شدت به چالش کشیده شده است، چرا که جنگ فعلی نشان داد این پایگاه‌ها و ائتلاف‌ها، دوستان منطقه‌ای ایالات متحده را نیز به هدف‌های نظامی تبدیل می‌کنند». این آسیب به دارایی‌های ایالات متحده و ناتوانی این کشور برای ایجاد یک چتر امنیتی برای متحدانش و ناخرسندی آنان از آمریکا، در نهایت ممکن است به وضعیت خروج نیروهای آمریکایی از این منطقه بیانجامد «در نتیجه، ممکن است ایالات متحده به گونه‌ای از این جنگ خارج شود که با چشم‌انداز کاهش حق استفاده از پایگاه‌های نظامی و تلاش متحدان دیرینه‌اش برای تضمین آینده خود مواجه گردد؛ خواه از طریق دعوت از دیگر قدرت‌ها مانند روسیه و چین، و خواه از طریق توافق و سازش‌های دوجانبه با ایران برای تأمین امنیت خود، آن هم به قیمت به خطر افتادن منافع و نفوذ ایالات متحده».

می‌کند، بلکه آشوبی را عیان می‌سازد که قوانین قدیمی بازی در سیاست بین‌الملل، مانع از بروز آن شده بودند». به باور این شورا، اولین درس محدودیت آمریکا، به چالش کشیده شدن هژمونی دریایی آمریکا بود «تضمین آزادی دریاهای در آبراه‌های بین‌المللی، از زمان تلاش‌های هماهنگ در قرن نوزدهم برای پاکسازی جهان از دزدی دریایی، همواره یکی از سنگ‌بناهای بنیادین نظم بین‌المللی و مأموریت اصلی نیروی دریایی آمریکا بوده است. تنگه هرمز پیش از آغاز این مرحله از درگیری با ایران در ۲۸ فوریه، باز و آزاد بود. اکنون، بازگشایی آن مسئله اصلی و گره‌کور مذاکرات با ایران است».

درس دوم به باور این رسانه آن است که برتری تکنولوژیک لزوماً به پیروزی نمی‌انجامد «برتری تکنولوژیک هیچ‌گاه تضمینی برای پیروزی نظامی نبوده است. ایالات متحده کارزار حملات گسترده‌ای را علیه ایران به راه انداخت که منجر به آسیب شدید به توانمندی‌های دریایی، موشکی، پهبادی و پدافند هوایی این کشور شد؛ بماند که به کشته شدن رهبران حکومت و فرماندهان ارشد نظامی انجامید. با این حال، ایران حتی در این وضعیت تضعیف شده نیز با به کارگیری پهپادها، مین‌ها و موشک‌های نسبتاً ارزان قیمت خود توانسته است در یکی از حیاتی‌ترین آبراه‌های جهان، کشورهای سراسر حوزه خلیج فارس و برخی از دارایی‌های نظامی ایالات متحده، خسارت و آشفته‌گی



احسان میربافری

روزنامه‌نگار

عصر پسا آمریکا در خلیج فارس

ایران توانست عملاً به شبکه متحدان آمریکا در منطقه آسیب بزند و دیگران را نیز به تامل برای میزبانی از آمریکایی‌ها وارد پیش از آغاز «عملیات خشم حماسی» وادار کند.

به باور این اندیشکده، آن‌چه اتفاق افتاد این بود که ایران نه تنها محدودیت‌های قدرت آمریکا را نشان داد، بلکه اصولاً از پی این جنگ آشوبی آفریده شد «قدرت سخت بدون محدودیت نیست. اجرای «عملیات عزم مطلق» در ونزوئلا و استرداد رهبری مانند نیکلاس مادورو یک مقوله است؛ عملیاتی که هرچند بسیار پیچیده بود، اما بلندپروازی محدودی داشت. اما تلاش برای بازطراحی جغرافیای قدرت در یک منطقه کامل از راه دور، مقوله‌ای کاملاً متفاوت است. آزمایش دوم، یعنی «عملیات خشم حماسی» در ایران اکنون پیش چشم همگان در حال اجراست. نتایج این عملیات نه تنها محدودیت‌های نیروی نظامی را آشکار

یادداشت

آزمون ایران در برابر اشغالگری در لبنان

هادی هدایت‌زاده
روزنامه‌نگار

تحولات جنوب لبنان بار دیگر یک واقعیت روشن را پیش روی آزادگان گذاشته است. رژیم صهیونیستی نه تنها قصد عقب‌نشینی از خاک لبنان را ندارد، بلکه آشکاراً از تبدیل اشغالگری موقت به حضور دائمی سخن می‌گوید. مقامات این رژیم با صراحت اعلام کرده‌اند که حاضر نیستند نیروهای خود را از مناطق اشغالی جنوب لبنان خارج کنند و حتی توافقات شکل گرفته را نیز مانعی برای ادامه حضور نظامی خود نمی‌دانند.

این موضع‌گیری‌ها در شرایطی مطرح می‌شود که ارتش لبنان از مردم خواسته برای بازگشت به روستاها و شهرهای مرزی جنوبی شتاب نکنند، چرا که خطر حملات، نقض آتش‌بس و بقای نیروهای اشغالگر همچنان وجود دارد. گزارش‌های میدانی از جنوب لبنان نیز نشان می‌دهد مردم در مسیر بازگشت به مناطق خود هستند، اما واقعیت تلخ این است که بسیاری از این مناطق هنوز زیر سایه تهدیدات رژیم صهیونیستی قرار دارد.

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران نیز با اشاره به تفاهم ایران و آمریکا تأکید کرده است که لبنان بخش جدایی‌ناپذیر از روند پایان جنگ است و هر توافقی باید شامل احترام به حاکمیت و تمامیت سرزمینی لبنان باشد.

اما رژیم صهیونیستی بار دیگر نشان داده که زبان فشار و تهدید را بر تعهدات ترجیح می‌دهد. وزیر جنگ این رژیم صراحتاً اعلام کرده که با عقب‌نشینی ارتش اسرائیل از لبنان مخالف است و نیروهای این رژیم باید در مناطق موسوم به «امنیتی» باقی بمانند. رسانه‌های عبری نیز گزارش داده‌اند که مقامات اسرائیلی معتقدند تلاش برای جدا کردن پرونده ایران از لبنان شکست خورده است.

این اعتراف مهمی است چرا که نشان می‌دهد خود صهیونیست‌ها نیز ارتباط مستقیم جبهه لبنان با معادلات منطقه‌ای را پذیرفته‌اند. نمی‌توان از ایران انتظار داشت به توافقی پایبند بماند که طرف مقابل آن، هم‌زمان با نقض روح توافق، به اشغال سرزمینی و تهدید ادامه می‌دهد.

خط قرمز روشن است و رژیم صهیونیستی باید به مرزهای اشغالی خود بازگردد و جنوب لبنان را تخلیه کند. هیچ توافقی نمی‌تواند پوششی برای تثبیت اشغالگری باشد. اگر این رژیم حاضر نیست به اصل حاکمیت لبنان احترام بگذارد و از خاک این کشور خارج شود، طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران نیز دلیلی برای حفظ چارچوبی نخواهد داشت که یک طرف آن به تعهدات خود پایبند نیست.

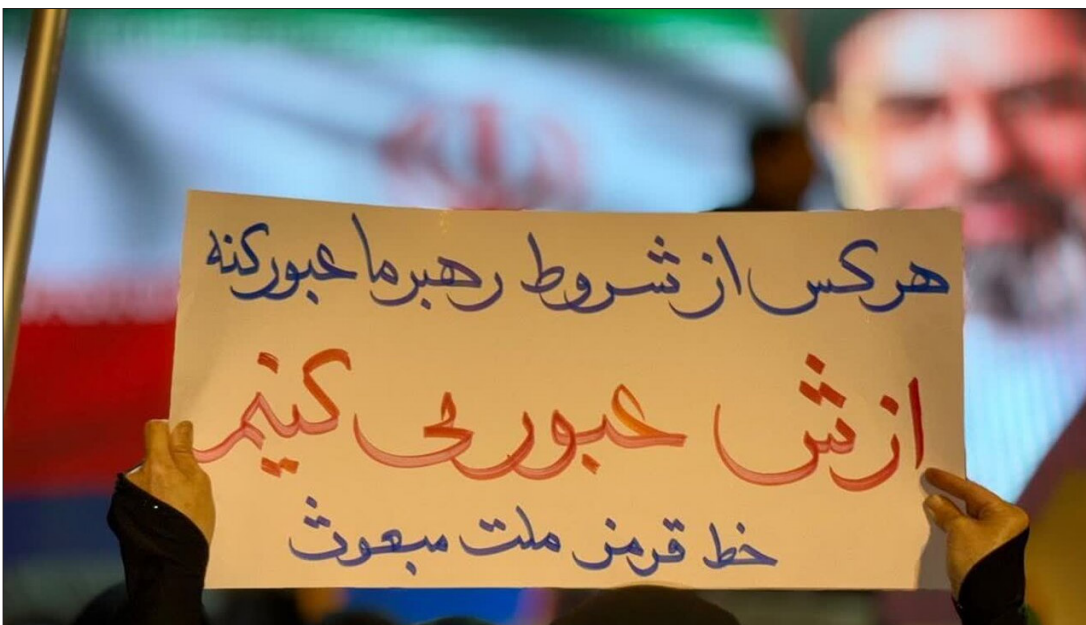
اکنون آزمون واقعی در برابر همه طرف‌ها قرار دارد. اگر قرار است توافقی درباره پایان جنگ وجود داشته باشد، نخستین شرط آن پایان اشغالگری است. جنوب لبنان باید به صاحبان اصلی آن بازگردد و رژیم صهیونیستی و آمریکا باید بدانند که نمی‌تواند هم توافق بخواهد و هم اشغال را حفظ کند. این همان نقطه‌ای است که باید بر آن ایستاد؛ خط قرمزی که عبور از آن، معنای هر توافقی را زیر سؤال خواهد برد.

پس از ۱۰۸ روز مقاومت ملت ایران، آمریکا از رؤیای براندازی به میز مذاکره رسید

پیروز میدان، دلواپس بده‌بستان

بامداد دوشنبه، زنجیره خبرها از اسلام‌آباد تا واشنگتن و تهران تکمیل شد؛ نخست‌وزیر پاکستان، دونالد ترامپ و سپس شورای عالی امنیت ملی از توافق برای امضای تفاهم پایان جنگ در ۲۹ خرداد و آغاز مذاکراتی ۶۰ روزه

خبر دادند. توافقی که اگرچه محل بحث و نقد فراوان است، اما یک واقعیت را نمی‌توان از آن حذف کرد؛ آمریکا پس از ۱۰۸ روز جنگ، از قطعی دانستن سقوط و براندازی نظام به پذیرش مذاکره با جمهوری اسلامی ایران رسید.



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

جنگ فعلاً متوقف شده است؛ اما آنچه بیش از متن تفاهم جلب توجه می‌کند، فاصله حیرت‌آور میان اهداف اعلامی آمریکا و نتیجه‌ای است که امروز روی میز قرار دارد. همان طرفی که در روزهای نخست جنگ، با غرور و تکبر از فروپاشی قریب‌الوقوع جمهوری اسلامی، نابودی توان موشکی ایران، تجزیه ساختار قدرت و حتی تغییر در جغرافیا و قلمرو ایران سخن می‌گفت، امروز ناچار شده است برای مذاکره درباره بازشدن تنگه هرمز، رفع کردن تحریم‌ها، موضوع هسته‌ای و سایر اختلافات پشت میز بنشیند. این عقب‌نشینی از موضع اولیه، مهم‌ترین واقعیت سیاسی پس از ۱۰۸ روز جنگ است. دشمن این جنگ را با یک محاسبه اشتباه آغاز کرد. تصور می‌کرد ترور رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله‌عظمی خامنه‌ای و فرماندهان و تصمیم‌گیران ارشد، فشار نظامی گسترده، حملات و بمباران پی‌درپی و جنگ روانی بی‌وقفه می‌تواند ظرف چند روز ساختار سیاسی کشور را از درون متلاشی کند. آنان روی اپوزیسیون، اختلافات داخلی و فشار اقتصادی ناشی از ناکارآمدی دولتمردان قمار کرده بودند و گمان می‌کردند جمهوری اسلامی در برابر یک شوک سنگین نظامی تاب نخواهد آورد. اما آنچه رخ داد دقیقاً عکس این محاسبات بود. نه تنها ساختار کشور فرو نریخت، بلکه ملت ایران در یکی از دشوارترین مقاطع تاریخ معاصر خود بار دیگر نشان داد که میان گلابه از عملکردها و دفاع از خاک ایران، اصل استقلال و حاکمیت ملی تفاوت قائل است. از همین رو بود که رهبر معظم انقلاب در پیام خود در بیستم فروردین ماه فرمودند: «امروز طلوعه برآمدن جمهوری اسلامی به‌عنوان یک قدرت بزرگ و قرار گرفتن استکبار در سرایشی ضعف، مقابل چشم همگان آشکار شده است.»

اینکه رئیس‌جمهور آمریکا پس از ماه‌ها تهدید، تحریم، جنگ و فشار، اکنون به گفت‌وگو با همان نظامی تن داده که وعده سرنگونی آن را می‌داد، خودگویاترین سند شکست راهبرد جنگ است. بنابراین

روایت پیروزی ملت ایران در این ۱۰۸ روز، مستقل از ارزیابی متن تفاهم، روایتی واقعی و مستند است. ایستادگی مردم، نیروهای مسلح و مجموعه ساختار سیاسی کشور پروژه‌ای را شکست داد که طراحانش تصور می‌کردند ظرف چند روز به نتیجه خواهد رسید.

هشدار برای مسئولان مذاکرات

اما همین واقعیت نباید به معنای چشم‌پوشی از ابهامات توافق تلقی شود. متن تفاهم از هم‌اکنون پرسش‌های جدی ایجاد کرده است؛ از بندهای تفسیرپذیر و چندپهلوی گرفته تا سازوکار و زمان بندی اجرای تعهدات، نحوه راستی‌آزمایی، تضمین رفع تحریم‌ها و ابزارهای مقابله با بدعهدی احتمالی طرف مقابل. هنوز روشن نیست در برابر امتیازاتی که ممکن است مطالبه شود، چه تضمین‌های عینی و قابل‌سنجشی دریافت خواهد شد. این نگرانی زمانی جدی‌تر می‌شود که طرف مقابل، دونالد ترامپ باشد.

نکته قابل‌تأمل آنکه تنها چند ساعت پس از اعلام توافق، از یک سو جی‌دی ونس، معاون ترامپ، با تأکید بر اینکه هیچ پولی به ایران پرداخت نخواهد شد، رفع تحریم‌ها را مشروط به اجرای کامل تعهدات مورد نظر واشنگتن، کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای و تغییر رفتار منطقه‌ای ایران دانست و حتی مدعی شد تهران پذیرفته است ذخایر اورانیوم با غنای بالا را نابود کند. از سوی دیگر امانوئل مکران نه تنها خواستار خروج یا رقیق‌سازی ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران، بلکه بر لزوم ورود برنامه موشکی ایران به مذاکرات آینده نیز تأکید کرد. هم‌زمان اورسولا فون درلاین، رئیس کمیسیون اروپا، اعلام کرد هرگونه لغو تحریم‌ها منوط به تغییرات «اساسی»، واقعی و قابل‌راستی‌آزمایی» در رفتار ایران خواهد بود. مجموعه این اظهارات نشان می‌دهد که برخلاف فضای تبلیغاتی اولیه، زیاده‌خواهی غرب نه تنها پایان نیافته بلکه از همین ساعات نخست، با طرح مطالبات فراتر و تفسیرهای یک‌جانبه از توافق، خود را آشکار کرده است. در مقابل این ادعاها، اسماعیل بقایی، سخنگوی

وزارت امور خارجه، روز دوشنبه تأکید کرد موضوع پول دادن آمریکا به ایران مطرح نیست، بلکه بحث برسر آزادسازی اموال مسدود شده ایران به عنوان حق قانونی کشور است. به گفته بقایی، علاوه بر پیگیری مطالبه خسارات جنگی، رفع محدودیت‌های فروش نفت، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی نیز از جمله تعهداتی است که باید بلافاصله پس از امضای تفاهم اجرایی شود و مذاکرات ۶۰ روزه آینده نیز بر نحوه اجرای این موارد و سایر موضوعات مورد توافق متمرکز خواهد بود.

عواقب توافق بر عهده مذاکره‌کنندگان

با همه این اوصاف باید توجه داشت مسئولیت کامل نتایج این توافق و مذاکرات پیش رو متوجه طراحان، مذاکره‌کنندگان است و کسی حق ندارد در صورت بروز خسارت، هزینه تصمیمات خود را بر دوش ملت، منتقدان یا نهاد‌های دیگر بیندازد. اگر توافق دستاوردی داشته باشد، به نام آنان ثبت خواهد شد و اگر خسارتی بر کشور تحمیل کند نیز مسئولیت آن مستقیماً بر عهده همان کسانی است که آن را طراحی و امضا کرده‌اند و اگر حمله دیگری به ایران انجام شود باید مسببان این روند مورد مواخذه قرار گیرند.

توقف جنگ به معنای پایان دشمنی نیست. آتش‌بس نمی‌تواند خون شهدا را از حافظه ملت پاک کند. جنایت و جسارت دشمن در به شهادت رساندن عبدالصالح و والاترین حاکمان جهان، کودکان میناب و لامرد، شهدای غریب ناودنا، هزاران خانواده داغدار، شهرهای آسیب‌دیده و جنایت‌هایی که طی این دو جنگ رخ داد، واقعیت‌هایی نیستند که با یک تفاهم سیاسی به فراموشی سپرده شوند. نفرت ملت ایران از آمریکا و رژیم اسرائیل نه تنها کاهش نیافته، بلکه در سایه این جنایت‌ها عمیق‌تر و ریشه‌دارتر شده است. مذاکره ممکن است آغاز شود، اما پرونده خونخواهی شهدا و حق تقاص ملت ایران همچنان باز خواهد ماند؛ پرونده‌ای که نه با امضا بسته می‌شود و نه با بلخندهای دیپلماتیک به پایان می‌رسد.

پیروزی در میدان و مسئولیت تاریخی مسئولان

آنچه امروز رخ داده بیش از آنکه جشن توافق باشد، اثبات شکست محاسبات دشمن است. آمریکا از ادعای تغییر نظام، فروپاشی جمهوری اسلامی و ضربه به موجودیت ایران، به مذاکره با همان نظام رسیده است؛ اما همین واقعیت نباید موجب غفلت از ابهامات تفاهم و سابقه بدعهدی طرف همچون آمریکای و به خصوص ترامپ شود. مسیر مذاکره آغاز شده، اما مسئولیت همه پیامدها، هزینه‌ها و نتایج آن بر عهده کسانی است که پای این توافق را امضا خواهند کرد.

یادداشت

آنچه آمریکا درباره آینده توافق فاش کرد

امیر شهشانی
روزنامه‌نگار

بامداد دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۵، در ابتدا نخست‌وزیر پاکستان، سپس دونالد ترامپ و در نهایت شورای عالی امنیت ملی ایران از دستیابی به تفاهمی خبر دادند که قرار است روز جمعه ۲۹ خرداد به امضا برسد.

برای فهم آنچه ممکن است در پشت صحنه این تفاهم جریان داشته باشد، کافی است به واکنش مراکز اثرگذار بر سیاست خارجی آمریکا نگاه کنیم. در میان انبوه لابی‌های فعال در واشنگتن، دو مجموعه یعنی «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) و «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» (UANI) طی سال‌های اخیر نقش اتاق فکر فشار حداکثری علیه ایران را ایفا کرده‌اند.

بسیاری از پیشنهاد‌های مربوط به جنگ زیرساختی، تحریم‌های فلج‌کننده، عملیات خرابکارانه و حتی سناریوهای آشوب داخلی، نخست در همین مراکز تولید و سپس وارد چرخه تصمیم‌سازی آمریکا شده است. در این میان، شاید مهم‌ترین سند برای فهم نگاه واقعی لابی‌های پر قدرت یهودی آمریکایی به این توافق، واکنش مارک دوپوینتز مدیر بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) باشد؛ دوپوینتز پس از اعلام توافق، نه از صلح و کاهش تنش سخن گفت و نه از حل اختلافات، بلکه صریحاً توصیه کرد بازارهای انرژی دوباره آرام شود و ذخایر راهبردی تکمیل گردد، ارتش آمریکا فرصت استراحت و بازتسلیح پیدا کند، طرحی برای حمایت از مخالفان جمهوری اسلامی با هدف فلج کردن حکومت تدوین شود، تحریم‌ها با فشار بی‌وقفه ادامه یابد، مذاکره‌کنندگان آمریکایی در برابر ایران «بازی نخورند»، اراده تهران هرچه زودتر آزموده شود، کمترین امتیاز ممکن داده شود، بیشترین نتیجه مطالبه گردد، در صورت لزوم به سرعت از میز مذاکره خارج شوند و در نهایت «محکم‌تر ضربه بزنند و حمله کنند».

این فهرست به روشنی نشان می‌دهد که از نگاه یکی از بانفوذترین اتاق‌های فکر ضدایرانی در واشنگتن، توافق نه به معنای پایان خصومت بلکه صرفاً فرصتی برای بازسازی توان آمریکا، سازماندهی مجدد فشارهای سیاسی و اقتصادی و آماده‌سازی برای مرحله بعدی تقابل است. به بیان دیگر، آنچه دوپوینتز ترسیم می‌کند نسخه‌ای برای توقف موقت درگیری با هدف ازسرگیری فشار و تهاجم در شرایطی مناسب‌تر است. جالب‌تر آنکه هنوز جوهر خبر توافق خشک نشده بود که برخی رهبران اروپایی نیز زبان باز کرده و ترس چندماهه خود از خشم ایران را کنار گذاشتند. امانوئل مکران بلافاصله از ضرورت ورود برنامه موشکی ایران به مذاکرات آینده سخن گفت و هم‌زمان مسئله تنگه هرمز را پیش کشید. این شتابزدگی نشان می‌دهد غرب، توافق را پایان‌پرونده نمی‌داند بلکه آن را سکویی برای گسترش مطالبات خود تلقی می‌کند. اگرچه شکست دشمن در تحقق اهداف جنگی خود یک واقعیت انکارناپذیر است، اما واقعیت دیگر آن است که دشمن از اهداف راهبردی خود عقب‌ننشسته است. در چنین شرایطی، مهم‌ترین سرمایه کشور نه متن‌های تفسیرپذیر، بلکه حفظ مؤلفه‌های قدرت به خصوص توان هسته‌ای، هوشیاری و پرهیز از تکرار خطاهای گذشته است.

دلک‌ها مشغول کارند

ایمان عظیمی
روزنامه‌نگار

چند روزی است که جام جهانی ۲۰۲۶ آغاز شده و هر رسانه‌ای برای خودش به تولید محتوا در این زمینه می‌پردازد. متأسفانه در بیشترین محتواها علی‌رغم ادعاهای پرطمطراق موجود هیچ حرف کارشناسی‌ای در باب فوتبال و پدیده جام جهانی وجود ندارد و آنتن بزرگ‌ترین برنامه‌ها آلوده به حضور برخی بلاگرها و دلک‌هایی به اسم استندآپ‌کمدین شده است.

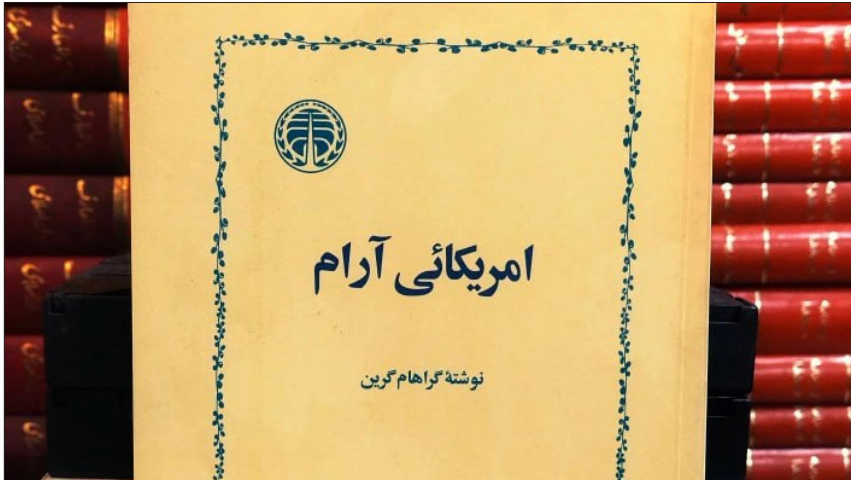
گویا هر قدر دلک‌تر و بی‌آبروتر باشیم بیشتر می‌توانیم خود را در دل مخاطبان جا کنیم و پول پشت پول به حساب‌مان سرازیر شود. در این میان حرف زدن از تخصص را هم کسی باور می‌کند که دوستدار تماشای تولیدات زنده این افراد است. اما بها دادن به چهره‌های بی‌مایه در پلتفرم‌ها برای روایت قصه ما در جام جهانی در نهایت به چه چیزی ختم خواهد شد؟ رسانه‌های بزرگ رسالت اطلاع‌رسانی، تحلیل و فرهنگ‌سازی دارند. وقتی تریبون‌های اصلی به جای متخصصان، دانشگاهیان، هنرمندان متعهد و روزنامه‌نگاران حرفه‌ای در اختیار افرادی قرار می‌گیرد که تخصص آن‌ها صرفاً «سرگرمی» یا «تولید محتوای زرد» است، عمق کار رسانه‌ای عملاً از بین می‌رود. این اتفاق باعث می‌شود جامعه به مرور تحلیل‌های عمیق را رها کرده و به تماشای محتوای سطحی عادت کند.

از سوی دیگر، بودجه، زمان آنتن و فرصت‌های رسانه‌ای محدود است. بها دادن به حاشیه‌سازان فضای مجازی به معنای بی‌توجهی و حذف کردن فرصت‌ها برای چهره‌های فرهیخته، نویسندگان و هنرمندانی است که صدایشان به دلیل عدم حضور پرهیاهو در شبکه‌های اجتماعی، در رسانه‌های رسمی طرد و یا حتی خفه می‌شود! برای نمونه دعوت از رامبد جوان توسط یکی از به اصطلاح طن‌نازان فضای مجازی در برنامه‌اش چه توجیهی می‌تواند داشته باشد وقتی مجری خندوانه هیچ اهمیتی برای فوتبال و هیچ یک از ابعاد آن قائل نمی‌شود؟ القصه، معامله اعتبار و رسالت رسانه با چند کلیک و مخاطب گذرا بهای بسیار سنگینی دارد. این کار باعث می‌شود رسانه‌های بزرگ از جایگاه هدایتگر و آگاهی‌بخش خود سقوط کرده و به ویتربینی برای تبلیغ سبک زندگی‌های نمایشی و بی‌محتوا تبدیل شوند. این دقیقاً همان کاری است که توسط کمدی‌بلاگرهایی نظیر مهیار حسن، امیرحسین قیاسی و ابوطالب حسینی به سرعت در حال انجام است.

مرور چند رمان با مضمون بی‌اعتمادی به سیاست‌های آمریکا

آمریکا غیرقابل اعتماد است؛ حتی در ادبیات

نیز تجربه مذاکرات سیاسی پرتنش در دهه‌های اخیر، این پرسش را تقویت کرده که آیا می‌توان به تعهدات واشنگتن اعتماد کرد؟ ادبیات داستانی، سال‌ها پیش از آن که این مباحث به تیتر نخست رسانه‌ها تبدیل شود، چنین دغدغه‌ای را روایت کرده بود.



محمد قربانی

روزنامه‌نگار

نویسندگانی از اروپا، آمریکای لاتین، آفریقا و حتی خود ایالات متحده، با بازآفرینی رویدادهای تاریخی، سیاست خارجی غیرقابل اعتماد آمریکا را در قالب شخصیت‌ها و داستان‌هایی ملموس به نقد کشیده‌اند. روایت‌هایی که نشان می‌دهد چگونه قدرت جهانی، در نگاه برخی نویسندگان، می‌تواند میان آرمان و عمل فاصله بیندازد. یکی از نخستین رمان‌هایی که به‌طور مستقیم به نقش آمریکا در تحولات سیاسی جهان پرداخت، «آمریکایی آرام» اثر گراهام گرین (۱۹۵۵) است. داستان در ویتنام دهه ۱۹۵۰ می‌گذرد؛ زمانی که آمریکا به تدریج جای فرانسه را در معادلات سیاسی منطقه می‌گرفت. شخصیت اصلی آمریکایی، آلدن پایل، مأموری جوان است که با شعار حمایت از «نیروی سوم» وارد میدان می‌شود، اما اقدامات پنهانی او به بمب‌گذاری و کشته شدن غیرنظامیان می‌انجامد. گرین در این روایت نشان می‌دهد چگونه سیاستی که با ادعای ثبات و آزادی آغاز می‌شود، می‌تواند در عمل به بی‌ثباتی و خشونت بینجامد. تصویری که بسیاری آن را پیش‌آگهی مداخله گسترده آمریکا در جنگ ویتنام می‌دانند. در آمریکای لاتین، تجربه دخالت‌های خارجی بازتابی پررنگ در ادبیات داشته است.

«بایز پدرسالار» نوشته گابریل گارسیا مارکز (۱۹۷۵) معروف‌ترین نمونه است. این رمان داستان دیکتاتوری سالخورده را روایت می‌کند که دهه‌ها بر کشوری خیالی حکومت کرده است. در پس‌زمینه روایت، قدرت‌های خارجی و منافع اقتصادی آنان حضوری دائمی دارند؛ قراردادهایی که منابع ملی را واگذار می‌کنند و بقای حکومت را به خارج گره می‌زنند. هرچند نامی مستقیم از آمریکا برده نمی‌شود، اما بسیاری از منتقدان این اثر را در چارچوب تجربه تاریخی حمایت واشنگتن از

برخی حکومت‌های اقتدارگرا در آمریکای لاتین تفسیر کرده‌اند.

در ادبیات آفریقا، «گلبرگ‌های خون» اثر نگوگی واتیونگو (۱۹۷۷) به سال‌های پس از استقلال کنیا می‌پردازد. داستان درباره گروهی از روستاییان است که با ورود سرمایه‌گذاران خارجی و شکل‌گیری شبکه‌ای از فساد میان نخبگان داخلی و شرکت‌های چندملیتی روبه‌رو می‌شوند. رمان نشان می‌دهد چگونه آرمان‌های استقلال، زیر فشار ساختارهای اقتصادی جهانی رنگ می‌بازد. در این چارچوب، سیاست خارجی قدرت‌های غربی-از جمله آمریکا-به‌عنوان بخشی از نظام نواستعماری تصویر می‌شود.

حتی در خود آمریکا نیز ادبیات به بازتاب فضای بی‌اعتمادی نسبت به سیاست‌های آمریکا پرداخته است. «لیبرا» نوشته دان دلیلو (۱۹۸۸) با بازخوانی ترور جان اف. کندی، فضایی را ترسیم می‌کند که در آن سازمان‌های اطلاعاتی، بازی‌های پنهان قدرت و روایت‌های رسمی زیر سؤال می‌روند. دلیلو از خلال زندگی لی هاروی اسوالد، نشان می‌دهد چگونه پیچیدگی و پنهان‌کاری نهادهای امنیتی می‌تواند شکاف میان دولت و افکار عمومی را عمیق‌تر کند. نمونه دیگر مربوط به سال‌های پس از یازده سپتامبر است، «بنیادگرایی ناراضی» اثر محسن حمید (۲۰۰۷) داستان مهاجر پاکستانی‌ای را روایت می‌کند که ابتدا شایسته فرصت‌های آمریکاست، اما با تغییر فضای سیاسی و سیاست‌های جهانی واشنگتن، نگاهش دگرگون می‌شود. روایت تک‌گویی او، بازتاب تجربه نسلی است که اعتماد اولیه‌اش به تدریج جای خود را به تردید می‌دهد. مرور این آثار نشان می‌دهد که ادبیات جهان، بارها سیاست خارجی آمریکا را از زاویه پیامدهای عملی آن برای ملت‌ها بررسی کرده است. این روایت‌ها یک مضمون مشترک دارند: فاصله میان وعده‌های رسمی و تجربه زیسته مردمانی که در میدان سیاست‌های جهانی زندگی می‌کنند.

در انتهای هفتادونه سالگی با خود همراه کرد. رضوی فعالیت حرفه‌ای خود را از رادیو آغاز و به تدریج با تسلط بر فن بیان و لحن، جایگاه ویژه‌ای در میان گویندگان نسل خود پیدا کرد. او علاوه بر اجرای برنامه‌های رادیویی در گویندگی روی مستندهای تلویزیونی (به‌ویژه مستند ایران) تیزرهای تبلیغاتی و برنامه‌های تلویزیونی نیز حضوری پررنگ. صدای بهروز رضوی به دلیل وقار، متانت و احساسی که در کلمات جاری می‌کرد، برای بسیاری از مخاطبان آشنا، دلنشین و امکانی برای نوازش گوش بود. او همواره بر اهمیت مطالعه، حفظ اصالت زبان فارسی و رعایت اصول حرفه‌ای در گویندگی تأکید داشت. او گوینده متون مقدسی چون قرآن کریم (ترجمه مسعود ریایی) و نهج البلاغه هم بود که با رعایت لحن و فراز و فرودهای مناسب، مفاهیم و ترجمه این متون را با وقاری خاص و احساسی عمیق بیان کرد. هنر رضوی در انتقال روح معنوی کلام قرآن، شنیدن را برای به تجربه‌ای آرامش‌بخش برای مخاطب تبدیل می‌کرد.



بهروز رضوی را به‌عنوان یکی از چهره‌های شناخته‌شده و خوش‌صدای عرصه گویندگی در تلویزیون و رادیوی ایران می‌شناسند. او با صدایی گرم، بم، رسا و گیرا، سال‌ها بود که مخاطبان رسانه‌های شنیداری و دیداری را تا زمان فوتش یعنی

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز:

محسن منصوری

■ مدیر مسئول:

حمیدرضا بیانی

■ تلفن:

۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲

■ کدپستی:

۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سه‌پهید قرنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج

■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

فرهنگ

C U L T U R A L

■ سه‌شنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۶۵

یادداشت

از طرفداری اسرائیل

تا اعلام برائت

سعید مصباح

روزنامه‌نگار

هلن میرن، بازیگر سرشناس بریتانیایی و برنده اسکار، در تازه‌ترین اظهارنظرش تصویری روشن و بی‌پرده از تغییرنگاه‌ش به اسرائیل ارائه داده است؛ تغییری که به گفته خودش، از علاقه و همدلی تاریخی به سمت انتقاد صریح از سیاست‌های کنونی این کشور در قبال فلسطینی‌ها رسیده است.

او که سال‌ها به واسطه تعلقات فرهنگی و فضای فکری پس از جنگ جهانی دوم، نوعی همدلی اولیه با اسرائیل داشته، حالا می‌گوید نمی‌تواند در برابر آنچه «جنایت علیه بشریت» توصیف می‌کند سکوت کند. به باور او، هیچ توجیهی برای خشونت علیه غیرنظامیان وجود ندارد و رنج انسانی، در هر قالب و با هر پرچمی، یک معنا بیشتر ندارد.

میرن در گفت‌وگویی در حاشیه یک جشنواره سینمایی، با لحنی تأمل‌برانگیز به تناقض‌های تاریخی اشاره کرد؛ اینکه چگونه ملتی که خود تجربه رنج و سرکوب را در حافظه جمعی‌اش دارد، می‌تواند در موقعیتی قرار بگیرد که از نگاه منتقدان، همان چرخه خشونت را در جای دیگری بازتولید می‌کند. او تأکید کرد که این پرسش برایش ساده نیست و بیشتر شبیه یک بحران اخلاقی حل‌نشده است تا یک موضع سیاسی. این بازیگر همچنین به تجربه‌های شخصی خود از واکنش‌های تند در فضای عمومی اشاره کرد و گفت بخشی از حملات کلامی که علیه او صورت گرفته، ناشی از برداشت‌های سطحی یا اطلاعات ناقص بوده است؛ موضوعی که به گفته او نشان می‌دهد چگونه فضای احساسی و رسانه‌ای می‌تواند گفت‌وگو درباره مسائل پیچیده را به تقابل‌های تند و گاه خطرناک تبدیل کند.

در عین حال، او با وجود فاصله‌گذاری انتقادی‌اش، همچنان بر پیچیدگی تاریخ و احساسات انسانی تأکید دارد و معتقد است نمی‌توان یک ملت یا یک تجربه تاریخی را کاملاً سیاه یا سفید دید؛ اما همین پیچیدگی، مسئولیت اخلاقی را از بین نمی‌برد.

سخنان میرن بیش از آنکه صرفاً یک موضع سیاسی باشد، بازتاب یک درگیری درونی است؛ میان خاطره تاریخی، همدلی فرهنگی و واقعیت‌های تلخ امروز. و شاید همین تضاد است که حرف‌های او را از سطح یک اظهارنظر معمولی فراتر می‌برد و به یک بحث باز درباره مرز اخلاق و سیاست تبدیل می‌کند.